

فصلنامه جامعه‌شناسی (مقاله علمی-پژوهشی) سیاسی ایران، سال سوم، شماره اول، بهار ۱۳۹۹، صص ۳۳۰-۳۴۶

ژئوپلیتیک و ژئوکالچر: اهداف سیاست خارجی دولت عدالت و توسعه ترکیه در قفقاز جنوبی

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۰/۱۲

امیر شیر توماج^۱

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۲/۹

عبدالرضا بای^۲

علی محمد زاده^۳

احمد اشرفی^۴

مقدمه

سیاست خارجی ترکیه در سده‌های متمادی با فرصتها و چالشهای زیادی در روابط منطقه‌های و فرامنطقه‌های برخوردار کرده است که مثال بارز آن سیاست این کشور در ارتباط با قفقاز حائز اهمیت میباشد تا جایی که یکی از اولویت‌های مهم ترکیه در سیاست خارجی قفقاز جنوبی است. ترکیه در دهه‌های پیشین با به دست گرفتن سیاست خارجی توسط حزب عدالت و توسعه، با تغییرات زیادی همراه بوده است. از لحاظ ژئوپلیتیک قفقاز منطقه‌های هم‌مرز با ترکیه است و این هم‌مرزی میتواند در منافع ترکیه تأثیر به‌سزایی داشته باشد. از طرفی قفقاز منطقه‌ای است که ترکیه را به دریای خزر متصل میکند و همچنین این منطقه راه ورود ترکیه به آسیای مرکزی است. ضمن آنکه پس از فروپاشی شوروی این منطقه به منطقه‌های حائل میان ترکیه و روسیه و از طرف دیگر میان ناتو و روسیه تبدیل شده است. ترکیه کنونی ۶۱۰ کیلومتر با قفقاز مرز مشترک دارد و از جنوب غربی قفقاز را دربرمیگیرد و علاوه بر مرز زمینی، ترکیه در دریای سیاه نیز با قفقاز مرز مشترک آبی دارد (افشردی، ۱۳۸۱: ۲۶۱). در ترکیه با توجه به اینکه فرآیند مدرنسازی و الگوسازی سیاسی خوبی که شکل گرفته است، از جنبه خارجی نتایج خوبی برای این کشور به دنبال داشته است. این الگوسازی به نحوی امروزه توانسته از ترکیه به عنوان کشوری دمکراتیک و در حال توسعه شتابان بسازد و در عرصه قدرت نرم و دیپلماسی فرهنگی، ظرفیتهای فراوانی را برای این کشور چه در قفقاز و چه در خاورمیانه سایر نقاط فراهم آورد.

^۱ . دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل واحد شاهرود

^۲ . گروه علوم سیاسی، واحد آزادشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، آزادشهر (نویسنده مسئول)

^۳ . گروه علوم سیاسی، واحد آزادشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، آزادشهر

^۴ . گروه علوم سیاسی، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود

یکی از اصلی ترین مظاهر قدرت نرم ترکیه در قفقاز، ارائه الگوی پیشرفت ترکی برای کشورهای این منطقه است که به منظور افزایش حوزه نفوذ سیاسی در منطقه و جلوگیری از نفوذ الگوی اسلام رادیکال و الگوی پیشرفت جمهوری اسلامی ایران طرح ریزی شده است. این الگوسازی تا جایی برای ترکیه مهم است که داود اغلو مردم سالاری ترکیه را مهمترین جنبه قدرت نرم و دیپلماسی فرهنگی کشورش میدانند و از توازن بین امنیت، آزادی و مردم سالاری در کشورش یاد میکنند. او میگوید ایجاد چنین توازنی به یک کشور اجازه می دهد تا در عرصه بینالمللی نقشی فعال ایفا کند (Davutoglu, 2009). در این راستا در عرصه عمل بارزترین نمود ۲۹ قدرت نرم ترکیه را میتوان در استفاده این کشور از انجمن های غیر دولتی، فرهنگی، تجاری حتی شبکههای ماهوارهای مشاهده کرد (عطایی، شکاری و همکاران، ۱۳۹۱: ۴۵)

زمینه های مشترک فرهنگی و زبانی میان اقوام ترک زبان و آذری زبان عاملی در جهت همگرایی و همکاری بیشتر میان ترکیه با منطقه بخصوص با آذربایجان شده است. با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه این حزب ترکیه را به عنوان یک رهبر برای ترک زبانان معرفی کرده است و در همگرایی و توسعه روابط میان کشور های ترک زبان و آذری زبان فعالیت گستردهای را شروع کرده است. شعار این حزب اتحاد میان ۲۰۰ میلیون ترک زبان از بالکان تا آسیای مرکزی و قفقاز است (kilinc, 2001). در این راستا این پژوهش درصدد پاسخ به این پرسش اصلی است که مولفه های ژئوپلیتیک و ژئوکالچر ترکیه چه تأثیری بر اهداف سیاسی-امنیتی و فرهنگی در قفقاز جنوبی دارد؟ قابل ذکر است که ترکیه باتوجه به اهمیت و جایگاه برجستهی دو عنصر ژئوپلیتیک و ژئوکالچر، توانسته در قفقاز جنوبی اهداف سیاسی-امنیتی و فرهنگی خود را در حوزههای مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دنبال کند.

۱. نظری پژوهش

در تبیین علل و عوامل توسعه همکاری در میان کشورها، نظریات مختلفی ارائه شده است. یکی از نظریاتی که به این موضوع می پردازد. نظر به همگرایی منطقه ای است که اساساً از تجربیات جوامع اروپایی نشأت گرفته است، در پی موفقیت کشورهای اروپایی و توسعه روابط فنی و اقتصادی، بسیاری از کشورهای در حال توسعه بهره گیری از آن را به عنوان یک استراتژی برای رشد مورد توجه قرار دادند. به عبارتی کشورها دریافتند که دستیابی به سطوح مطلوبی از توسعه و رفاه ملی صرفاً یک مقوله ملی نیست و به ناچار باید زمینهای برخورداری از امکانات و منابع بین المللی را فراهم کنند. چگونگی تمهیدات این ساز و کار جهت استفاده از ظرفیت ها و منابع جهانی و منطقه ای از جمله مهمترین مقولاتی است که پیش روی تمامی کشورها است، بر این اساس به نظر می رسد همگرایی از مهم ترین این ساز و کارها و تمهیدات بین کشورهای بک مغه جهت نیل به این هدف در عرصه های بین المللی است، این فرایند منطقه ای که غالباً در زمینه تجارت و اقتصاد بود، بعد از جنگ جهانی دوم ظهور پیدا کرد. اما این امر بخصوص در دهه ۱۹۸۰ همراه با موج معروف منطقه گرایی جدید. شکل خاصی پیدا کرد. بنابراین، همگرایی منطقه ای را می توان

فرابندی چند بعدی پنداشت که علاوه بر همکاری اقتصادی پر ابعاد سیاسی، دیپلماسی، امنیتی و فرهنگی و غیره نیز دلالت دارد. با این وجود تجارت و همگرایی اقتصادی بعد مرکزی پروژه همگرایی باقی ماند (Lombaerde and Van Langenhov, 2005: 3). کانتوری و اشپیگل، دو اندیشمندان برجسته حوزه همگرایی، متغیرهای الگویی چهارگانه‌ای را برای ارزیابی همگرایی کشورهای ارائه نموده اند. آنها همگرایی کشورها را معلول عوامل زیر میدانند؛ الف) عامل اجتماعی؛ تشابه ابعاد اجتماعی واحدهای سیاسی در همبستگی یا عدم همبستگی آنها نقش دارد، ب) عامل سیاسی؛ نوع نظام سیاسی و تشابه و تجانس کشورها بر همگرایی آنها دخیل است، ج) عامل اقتصادی؛ میزان و نوع تولید و توزیع منابع و ذخایر کشورها در همگرایی آنها تاثیر دارد، د) عامل سازمانی؛ میزان توسعه یافتگی کشورها و نوع مشارکت آنها در سازمانهای بین‌المللی و منطقه ای بر همبستگی و عدم از نگاه کانتوری و اشپیگل، : همبستگی آنها موثر است (اکبریان و شکری، ۱۳۹۵: ۱۸۳) شکل گیری فرایند همگرایی تابعی از متغیرهای داخلی و خارجی تاثیرگذار و روند تعامل و تاثیر آنها بر یکدیگر میباشد. عمده این متغیرها عبارت هستند از:

۱- ویژگیهای مشترک فرهنگی و اجتماعی مانند زبان، تجربه تاریخی، ایدئولوژی، دین و مذهب، نژاد، قومیت و تمدن مشترک.

۲- جغرافیایی (مرزهای جغرافیایی، الزامات ژئوپلیتیک و استراتژیک، مجاورت جغرافیایی، عوامل مشابه فیزیکی، غیر فیزیکی و ترکیبی).

۳- امنیتی (درک امنیتی مشترک اعضا در زیست بوم منطقه ای تحت تأثیرات تهدیدهای محیطی زیست بومی).

۴- نظام مداخله گر فر ازیست بومی (مداخله دولتها و سازمانهای فر منطقه ای).

۵- اقتصادی (نظیر مکمل بودن اقتصاد کشورها، تجارت و سرمایه گذاریهای متقابل).

۶- سیاسی (تشابه نظام سیاسی) (اکبریان و شکری، ۱۳۹۵: ۱۸۵-۱۸۴)

ترکیه با درک جایگاه منطقه قفقاز جنوبی در معادلات ابرقدرت و قدرت های بزرگ جهانی، تلاش زیادی را در نفوذ بلند مدت در این منطقه با استفاده از ابزارها و عوامل مختلف نموده است که از مهمترین این ابزارها برای تأثیر گذاری مؤلفه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است. مؤلفه اقتصادی شامل نفوذ شرکت های ترک در منطقه جهت فروش کالا های ترک و استفاده از ظرفیتهای اقتصادی موجود برای رسیدن به قدرت برتر اقتصادی در منطقه و مؤلفه های سیاسی و فرهنگی شامل بهره برداری ابزاری سیاستمداران ترک از ظرفیت های موجود

در زمینه های هویت، زبان، نژاد، مراکز علمی، جاذبه های گردشگری و رسانه های گروهی میباشد(خلیلی، ۲۰: ۱۳۹۶). از این رو به جهت اهمیت موضوعی در ادامه به تأثیرات سیاسی-امنیتی، فرهنگی و اقتصادی قدرت ژئوپلیتیک و ژئوکالچر ترکیه در قفقاز جنوبی پرداخته خواهد شد.

۲. اهداف سیاسی و امنیتی ترکیه در قفقاز جنوبی

عمده توجه ترکیه به کشورهای قفقاز جنوبی مربوط به نگرانی های سیاسی - امنیتی این کشور است در واقع مهم ترین اولویت ترکیه در کشورهای همسایه خود در قفقاز جنوبی حفظ و تداوم صلح و امنیت در منطقه است در این میان ترکیه در صدد است در رقابت با دیگر بازیگران منطقه ای و ذینفع در قفقاز جنوبی با برقراری روابط سیاسی - دیپلماتیک و فعالیتهای غیردولتی با این کشورها و انعقاد قراردادهای امنیتی از موضع بالا با مسائل منطقه ای برخورد کند. مجاورت ترکیه با قفقاز جنوبی باعث شده این کشور اهمیت زیادی برای این منطقه قائل شود. ترکیه علاوه بر داشتن ۶۱۰ کیلومتر مرز خاکی با کشورهای قفقاز جنوبی، در دریای سیاه هم با گرجستان مرز آبی مشترک دارد در دیدگاه ترکیه، آذربایجان به عنوان کلید قفقاز و گرجستان راهی برای دسترسی به آن است قفقاز بخصوص آذربایجان همیشه راهی برای ترکستان بزرگ در سیاست خارجی ترکیه بوده است هدف کلی ترکیه عبور از کوههای قفقاز و باز کردن راهی مطمئن جهت دسترسی به آسیای مرکزی بوده است (colak,2014:41) برخی این موضوع را چنین تفسیر میکردند که ژئوپلیتیک پان ترکیسم میخواهد بر ژئواستراتژی چیره شود (افشردی، ۱۳۸۱: ۲۶۹). البته به نظر می رسد، این اهمیت دادن، ربطی به ایدئولوژی خاصی ندارد؛ چون با روی کار آمدن احزابی اسلام گرا مانند حزب رفاه و بخصوص عدالت و توسعه، استراتژی "از آدریاتیک تا دیوار چین" و ملی گرایی کم رنگ شده ولی از اهمیت قفقاز کاسته نشده است به طور کلی جنبه مهم تأثیرگذاری ترکیه تلاش این کشور جهت ارائه الگوی سکولاریزم به کشورهای مزبور بوده است که تأثیر قابل ملاحظه ای بر گرجستان و به نحو شدیدتر در آذربایجان گذارده، تا حدی که اعتماد آنان را به نوعی میتوان گفت جلب کرده است آنچه از نظرات استراتژی جدید ترکیه برمیآید ترکیه می تواند با اعمال نفوذ در چنین مناطقی دارای یک نقش استراتژیک جهانی شود (داود اوغلو، ۱۳۹۱: ۱۵۲).

سیاست ترکیه پس از فروپاشی شوروی بر آن بوده است که با استفاده از حمایت غرب خود را به عنوان مهمترین راه اتصال حوزه قفقاز به این کشورها بقبولاند (افشردی، ۱۳۸۱: ۲۷۱). همچنین سه کشور گرجستان، آذربایجان و ترکیه در سایه مبارزه آمریکا علیه تروریسم، یک موافقتنامه سه جانبه در مورد امنیت منطقه ای را نهایی ساخته اند کته روابط نظامی روز افزون ترکیه با دو کشور دیگر را تقویت خواهد کرد. (آلیکر، ۱۳۸۲: ۲۷۷). در این راستا، میتوان به تشکیل سازمانهای منطقه ای نظیر سازمان همکاری دریای سیاه، تراستکا و غیره در چارچوب منافع مشترک اقتصادی، سیاسی و امنیتی اشاره کرد (صولت، ۱۳۹۱: ۹۶). در واقع، ترکیه به دنبال آن است با شکل گیری اتحادی جدید از بازیگران منطقه، محوری امنیتی ایجاد کند که هدف اصلی آن موازنه قدرت میان بازیگران اصلی و ذینفع درحوزه قفقاز

از جمله ایران و روسیه است ترکیه به هیچ وجه تمایلی نسبت به افزایش نقش و نفوذ ایران و روسیه در قفقاز نداشته و آن را در تعارض با منافع اقتصادی و امنیتی خودتفسیر میکند از این رو محور آنکارا- باکو- تفلیس در تقابل با محور مسکو- تهران- ایروان شکل می گیرد و هدف اصلی نیز حفظ توازن قوا در منطقه قفقاز است. از ابتدای استقلال کشورهای قفقاز جنوبی میتوان اهداف سه گانه زیر را برای ترکیه در این منطقه مد نظر قرار داد:

۱- گسترش و توسعه نفوذ ناسیونالیسم ترکی به قفقاز گسترش مناسبات اقتصادی با کشورهای ترک زبان منطقه از طرق مشارکت در طرح های اقتصادی سودآور بویژه در زمینه انتقال نفت و گاز کشورهای آذربایجان، ترکمنستان و قزاقستان که این دو کشور اخیر تا وجود آنکته در قفقاز قرار ندارند، اما میتوانند از طریق آذربایجان و گرجستان و یا آن طور که برنامه ریزی کرده اند از طریق ارمنستان در آینده به ترکیه متصل شوند؛

۲- تامین انرژی ترکیه طریق دستیابی به منابع غنی انرژی و در اتن زمینه رقابت با روسیه و ایران در کنار همکاری با آمریکا و اتحادیه اروپا در دستور کار ترکیه قرار دارد (بزرگمهری و طباطبائی، ۱۳۹۶: ۱۳۴).

منطقه قفقاز جنوبی تا قبل از فروپاشی اتحاد شوروی منطقه ای فراموش شده بوده و راهبردهشناسان و متخصصان ژئوپلیتیک، این منطقه را به عنوان سرزمین های داخلی اتحاد شوروی قلمداد می کردند. ایالات متحده امریکا نیز سعی داشت به وسیله ترتیبات منطقه ای و جهانی، این قدرت پهناور را کنترل کند در این وضعیت، کشورهایی چون ایران، ترکیه و پاکستان به عنوان پایگاه های مرزی در این سیاست اهمیت بسیار داشتند. (Aydin 2000) اما فروپاشی اتحاد شوروی این وضعیت را به طور کلی تغییر داد و کشورهای که در نظم دو قطبی در مرزهای بین دو قدرت جای داشتند، با موقعیت ژئوپلیتیک جدید روبرو شدند. این امر موجب شد که سیاستگذاران خارجی و راهبردهشناسان این کشورها سیاست های جدید در مواجهه با این تغییرات در محیط منطقه و نظام بین الملل اتخاذ کنند. ترکیه نیز یک از این کشورها بود که با فروپاش اتحاد شوروی در فکر ایجاد اتحادیه ای از کشورها ترک زبان در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز برآمد. اما فروپاش اتحاد شوروی همزمان با ایجاد فرصت های برای ترکیه، چالش های اقتصادی و امنیتی نیز برای این کشور به وجود آورد (Sandrin, 2009:3) زیرا موجب به وجود آمدن کشورهای در منطقه قفقاز شد که علاوه بر مشکلات اقتصادی و سیاسی، با مشکلات هویتی نیز مواجه بودند. این مشکلات که به شکل بحران قومی و تجزیه طلبی قومی بروز کرد، این منطقه را با سه بحران فعال (قره باغ، آبخازیا و اوستیا جنوبی) و بحرانهای خاموش متعدد دیگر درگیر ساخت (Aliriza.2008).

سیاست ترکیه در برابر این بحران ها و همچنین توسعه نفوذ خود در این کشورها، بر مبنا اصل همکاری استوار بود که در دو سطح منطقه ای و ورامنطقه ای پیگیری می شد. در سطح ورامنطقه ای، ترکیه محور فعالیت خود را بر پایه

همکاری با غرب بنا نهاده بود که بر این اساس، همکار با ناتو و ایالات متحد آمریکا در منطقه در اولویت سیاست قفقازی این کشور قرار داشت (Ziyadov & Suleymanov, 2003)

در سطح منطقه ای نیز این کشور اولویت سیاست قفقاز خود را گسترش روابط با جمهوری آذربایجان قرار داد و سعی داشت همکاری خود را با این کشور به سطح همکاریهای راهبردی ارتقا دهد. ترکیه در راستا این سیاست و جهت دستیابی به جمهوری آذربایجان و همچنین کشورهای ترک زبان آسیای مرکزی، به ناچار سطح روابط خود را با گرجستان نیز افزایش داد که دارای پیوندها و علایق قومی با این کشور بود.

سیاست غرب گرایی ترکیه در منطقه قفقاز جنوبی منجر به تعارض ها و برخوردهایی بین ترکیه و روسیه از یک سو و ایران و ترکیه از سوی دیگر میشد. در سطح منطقه‌های نیز حمایت قاطع ترکیه از جمهوری آذربایجان در هنگام بحران قره باغ و جنگ بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان، موجب تیره شدن روابط ترکیه و ارمنستان شد که با یکدیگر اختلافات تاریخی نیز داشتند. جهت گیری مستقل ترکیه بر اساس، تمرکز بر غرب موجب شد ترکیه به صورت غیر مستقیم همراه با جمهوری آذربایجان و گرجستان و همچنین با حمایت ناتو و به ویژه آمریکا، در مقابل محور ایران، روسیه و ارمنستان قرار بگیرد. با پیروز حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۲، در سیاست خارجی ترکیه در منطقه قفقاز تحول اساسی صورت گرفت. اساسی ترین تغییر ایرن برود که دولتمردان جدید ترکیه سعی کردند رویکرد پیشین خود را به رویکرد چندجانبه گرایی در دو سطح منطقه ای و فرامنطقه ای تغییر دهند. در این رویکرد جدید، ترکیه سعی کرده است به جای تأکید بر محور غرب و حرکت در راستای سیاست های ناتو و آمریکا در منطقه، شریک های سیاسی خود را در منطقه متنوع تر سازد (Ibid, : 6)

دولت ترکیه در جهت متنوع کردن سیاست قفقاز خود تلاش کرد همکاری با اتحادیه اروپا، روسیه و تا حدودی ایران را در حل بحرانهای قفقاز جنوب و همچنین تأمین امنیت انرژی اروپا توسعه دهد. در اولین گام، روابط خود را با روسیه در ابعاد اقتصادی، نظامی و سیاسی ارتقا داد. (Bishku, 2009) در طول تاریخ، ترکیه و روسیه همواره رقیب یکدیگر بودند و این رقابت در موضوعات منطقه ای در بالکان، آسیای مرکزی و قفقاز و دریای سیاه ظاهر شده است. این رقابت تاریخی، با آغاز جنگ سرد و عضویت ترکیه در ناتو تقویت شد. بهبود روابط ترکیه و روسیه با قرارداد گازی سال ۱۹۸۴ بین دو کشور آغاز شد، اما به علت عضویت ترکیه در ناتو، روسیه همواره به این رابطه با تردید نگاه می کرد. پایان جنگ سرد نیز با توجه به سیاست های غرب-محور ترکیه در مناطق خارج نزدیک روسیه، تأثیر مثبت بر بهبود روابط دو طرف نگذاشت. (Ozertem, 2010) اما با پیروزی حزب عدالت و توسعه و تغییر رویکرد ترکیه به چندجانبه گرایی و از میان برداشتن مشکلات با همسایگان، این روابط با تغییرات عمده ای همراه بود که موجب توسعه همکاری های اقتصادی، نظامی و سیاسی دوجانبه و همچنین همکاری های امنیتی در مناطق پیرامونی مانند منطقه قفقاز جنوبی شد. عمده ترین این همکاری ها را در منطقه قفقاز در حوزه امنیت منطقه های می توان

دید. همکاری و همراهی دو کشور در حل مسالمت آمیز بحران های منطقه ای قره باغ، اوستیاجنوبی، آبخازستان، آجاریا و همراهی روسیه در فرایند نزدیکی ترکیه و ارمنستان و همچنین طرح ۲+۳ ترکیه، که رویکرد منطقه ای به حل بحران در قفقاز جنوبی داشت، نمونه هایی از این همکاریهاست (Torbakov, 2008).

ترکیه در گام بعدی سعی کرد میزان همکاری خود با اتحادیه اروپا را در منطقه قفقاز جنوب افزایش دهد که این امر حول دو محور امنیت انرژی و حول بحران های قدیمی این منطقه متمرکز بود. همزمان با شکل گیری راهبرد منسجم تر در اتحادیه اروپا نسبت به همسایه های شرق و به ویژه قفقاز جنوبی، ترکیه نیز با تسریع روند عضویت خود در اتحادیه اروپا و همچنین تنوع بخشیدن به همکاران منطقه ای خود سعی کرد با افزایش استقلال عمل در برابریالات متحد آمریکا، به همکاری بیشتر با اروپا در مسائل امنیتی بپردازد (Schulz & Devrim, 2009) در حوزه انرژی ترکیه با ایفای نقش فعال در احداث خطوط انتقال انرژی از دریای خزر به بازارهای اروپا، از طریق خط لوله انتقال نفت باکو - تفلیس - جیحان و همچنین خط لوله انتقال گاز باکو - تفلیس - ارزروم، به همکاری خود با اروپا سرعت بخشید (Szymański, 2009). در حوزه امنیتی، ترکیه با وجود انتقاد از کم کار گروه مینسک، همکاری با این گروه را در حل بحران قره باغ افزایش داد تا در چهارچوب سیاست همسایگی اروپا و نیز برنامه همکاری دریای سیاه اتحادیه اروپا که با توسعه امنیت و همکاری اقتصادی منطقه ای توسط اروپا تدوین شده بود، به همکاری با اقدام های اروپایی بپردازد و همچنین از ادغام هرچه بیشتر ساختار های نظام، سیاسی و امنیت این منطقه در اروپا حمایت کرد. (Devrim, 2009).

همکاری ترکیه با آمریکا و ناتو در منطقه قفقاز نیز عموماً در حوزه مسائل امنیت تعریف شده است. در گذشته، ترکیه سیاست خارجی خود در این منطقه را عمدتاً با تکیه بر محور آمریکا - اسرائیل شکل می داد و در سطوح اطلاعاتی و جاسوسی در منطقه با این دو کشور همکاری داشت. اما نگرش جدید، علاوه بر دوری از اسرائیل، سعی می کند رفتار مستقل تری از خود ارائه کند که البته در تعارض با منافع آمریکا هم نباشد. نمونه این رفتار، اقدام ترکیه در ارائه طرح همکاری با صلح و امنیت در قفقاز جنوبی بود که در آن این کشور ترکیب ۲+۳ (روسیه و ترکیه به همراه سه کشور گرجستان، جمهوری آذربایجان و ارمنستان) را مطرح کرد و به نقش آمریکا اشاره های نمود. اما این امر به این معنا نیست که چنین اقدام آمریکا را در منطقه تهدید خواهد کرد، زیرا این اقدام ترکیه همسو با منافع آمریکا بود که هدف آن حمایت از استقلال این کشورها در برابر روسیه است (Larrabee, 2010).

علاوه بر این، ترکیه در دوره جدید سعی دارد تعامل خود با ایران را نیز افزایش دهد. البته به علت محدودیتهای که از سوی غرب در مورد ایران وجود دارد و همچنین وجود نوعی رقابت سنتی بین ایران و ترکیه در قفقاز، همکاری کمتری بین ایران و ترکیه در این منطقه صورت گرفته است (Aras, 2001) با وجود این، ترکیه در مواردی که احساس می کند ایران توان عمل بالاتری دارد، به همکاری با این کشور پرداخته است. نمونه این امر را هرچند به

صورت غیرمحسوس، در برقراری رابطه با ارمنستان از طریق ایران می توان دید. ترکیه سعی میکند برای کاهش حساسیت ها، روند عادی سازی روابط خود با ارمنستان را از طریق شورهایمانند ایران پیش ببرد. در هر حال آنچه ضروری به نظر می رسد، توجه به این نکته است که ایران و ترکیه رقابت بین خود را برای نفوذ در منطقه قفقاز جنوبی، همراه با نوعی همکاری در منافع مشترک ادامه می دهند.

در مورد روابط سیاسی ترکیه با کشورهای همسایه، این نکته قابل توجه است که ترکیه در دوران پس از فروپاشی شوروی سعی کرد مرکز توجه خود را در قفقاز جنوبی، جمهوری آذربایجان قرار دهد و در این مورد تا حد زیادی موفق عمل کرد. اما این تمرکز باعث شد از توجه به بعضی کشورهای دیگر منطقه غفلت ورزد. البته ترکیه به علت عدم دسترسی مستقیم به جمهوری آذربایجان، نیازمند مسیری بود که گرجستان این مسیر را مستقل از دخالت کشورهای رقیب ترکیه در منطقه، یعنی ایران و روسیه، تأمین می کرد. این امر باعث شد ترکیه نسبت به روابط خود با گرجستان نیز فعال تر عمل کند. اما به هر حال رویکرد راهبرد و امنیت ترکیه نسبت به منطقه قفقاز جنوبی سبب شده بود که ترکیه در ابعاد غیرسیاسی فعال نباشد. در نگاه حزب عدالت و توسعه به منطقه، گرجستان خود به هدفی مستقل تبدیل شده و ترکیه روابط خود را با این کشور روز به روز افزایش داده است (Efegil, 2008). به نظر می رسد در نگاه چندجانبه گرای ترکیه به منطقه قفقاز، موضوع ارمنستان به یک مسئله تناقض آمیز تبدیل شده است. نگاه عملگرای ترکیه به مسئله ارمنستان، عادی سازی روابط با ایران کشور و بازگشای مرزها را در دستور کار قرار می دهد. اما از سوی دیگر، این نگاه در تقابل با تلاش گروه های آذری و گروهها و احزاب ملت باور ترکیه قرار می گیرد که چنین اقدامی را نوعی خیانت به ملت ترک تصور میکنند.

همچنین، ادعای ارمنستان مبنی بر قتل عام ارمنه در زمان امپراتور عثمانی در این امر تأثیرگذار است. این ادعا با مخالفت ترکیه مواجه شده که پذیرش آن را مساوی با پذیرش ادعاهای مرزی ارمنیان در مورد سرزمینهای ترکیه تصور میکند. علاوه بر این، دولت جمهوری آذربایجان نیز به این موضوع با حساسیت می نگرد و مسئولان رسمی این کشور، بارها نارضایتی خود را از این روند اعلام کرده و برای اعمال فشار بر ترکیه در تمديد قرارداد صادرات گاز خود به این کشور و به اروپا از طریق ترکیه، مواضع تندتری اتخاذ کرده اند. توجه به این مسئله نشان می دهد که ترکیه به علت شکنندگی زیاد روابط در قفقاز جنوبی، در روند بهبود روابط خود با ارمنستان ملزم خواهد بود دست بره انتخابی بزند که نتایج آن در هر صورت مطابق انتظار دولتمردان عملگرای ترکیه نخواهد بود. این عامل سبب شده بعد از گذشت حدود سه سال از امضا تفاهم نامه عادی سازی روابط بین دو کشور در زوریخ، گامی در مسیر اجرای شدن آن برداشته نشود. از سوی دیگر، ترکیه در روندی متقابل سعی کرده است ضمن تحکیم بخشی در روابط سنتی خود با آذری های، تا حد ممکن این روند را نهادینه سازد که نمونه آن، ایجاد شورای عالی همکاری های راهبردی بین جمهوری آذربایجان و ترکیه است در مورد گرجستان نیز ترکیه سعی کرده است بر میزان روابط سیاسی و دیدارهای

مقامات رسمی دو کشور بیفزاید و همکاریهای خود را در حل بحرانهای جداییطلبی و همچنین چالشهای امنیتی این کشور توسعه دهد (عطایی و دیگران ۱۳۹۰: ۴۵).

۳. اهداف فرهنگی و قدرت نرم ترکیه در قفقاز جنوبی

ترکیه علاوه بر برنامه های اقتصادی و سیاسی - امنیتی، نقشی فرهنگی خود در منطقه را نیز در نظر دارد، اما بازی فرهنگی آنکارا در مقایسه با مسائل اقتصادی و امنیتی در درجه دوم از اهمیت قرار دارد. (Ismayilov, 2010: 52). از این مولفهها تحت عنوان فرصتهای فرهنگی ترکیه جهت نفوذ در منطقه نامبرده میشود ترکیه در این راه با تعریف اشتراکات تاریخی، زبانی، قومی بین خود و مردم این منطقه از ابزار فرهنگی برای حضور پایدار و عمیق استفاده کرده است تا به اهداف خود دست یابد. ترک ها درصددند تا از اینطریق بتوانند به آرامی و بدون هزینه زیاد، سایر رقبای قدرتمند خود را از میدان بیرون نمایند. کشورهای منطقه قفقاز جنوبی هر کدام دارای خصوصیات خاص هستند که این ویژگیها بعضاً عامل جاذبه و درموردی هم عامل دافعه در قبال سیاست های فرهنگی ترکیه میباشد جمهوری آذربایجان با توجه به نژاد، زبان، دین و هویت نسبتاً مشترک با ترکیه، برای کسب هویت خود به عنوان یک دولت - ملت مستقل تکیه فراوانی به فرهنگ ترکی دارد و برای رسیدن به این هدف، تمایل زیادی به برقراری رابطه نزدیک با کشور ترکیه دارد. گرجستان و ترکیه دارای اشتراکات زیادی در سیاست نزدیکی به غرب هستند که به گرمتر شدن روابط دو کشور کمک نموده است. بعد از انقلاب گل رز (سال ۲۰۰۳) در گرجستان و روی کار آمدن دولت غربگرا در آن کشور، شاهد استحکام بیشتر روابط گرجستان و ترکیه هستیم. با توجه به وضعیت پیشآمده در گرجستان و بحرانهای هویتی و قومی آن، گرجیها خواهان نزدیکی به ترکیه سکولار میباشد جمهوری ارمنستان در منطقه قفقاز جنوبی فرهنگ و هویت خاص خود را داراست، از عناصر فرهنگسازنده مهم هویت ارمنی ۲۰ استراتژی جدید ترکیه در قفقاز پس از به قدرت رسیدن اعتقاد به ظلم تاریخی است که بدانها شده است. این اعتقاد به تاریخ چیزی است که هویت را در میان ارمنه حفظ میکند و نگه میدارد و از آن جمله واقعه نسل کشی ارمنه در آوریل ۱۹۱۵ توسط دولت عثمانی است. اهمیت این واقعه به دلیل مرگ هزاران نفر از ارمنه است که هر ساله به یاد قربانیان این حادثه، توسط کلیسای ارمنی راهپیمایی یا تجمع اعتراض آمیز در محکومیت اقدام دولت عثمانی برگزار می شود (خلیلی، ۱۳۹۶: ۱۵).

باتوجه به اینکه سیاست خارجی یک کشور بر ساخته از سیاست داخلی آن کشور است، رهبران حزب عدالت و توسعه در یک دهه اخیر به سیاست یک جانبه گرایانه کمالیستها در سیاست خارجی این کشور پایان داده و با اتخاذ یک سیاست چندوجهی با استفاده از قدرت نرم به دنبال تعامل سازنده با تمامی کشورها در غرب و شرق هستند. مؤلفه های سیاسی و فرهنگی که موجب هنجارهای اجتماعی و هویت جدیدی در داخل ترکیه شده است، جهت گیری سیاست خارجی این کشور را کاملاً دگرگون ساخته است (گودرزی و معبودی نژاد، ۱۳۹۵: ۱۳۲).

ترکیه از ساله ی ابتدایی دهه ۹۰ سعی کرد همزمان با بروز علائم شکست ایدئولوژی کمونیست در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز، خود را به عنوان نماد یک کشور دموکراتیک غربگرا و مدرن نشان دهد. در این راستا سعی زیادی برای ایجاد اتحادیه کشورهای ترک‌زبان و ایجاد زبان مشترک ترکی نمود.

گام‌های ابتدایی این روند، ایجاد مدارس آموزش زبان ترکی و تغییر الفبای سیرلیک به لاتین بود. از زمان روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه، ترکیه سعی میکند خود را به عنوان یک کشور مسلمان که توانایی سازگاری با ارزشهای غربی و مردم‌سالاری لیبرال را دارد نشان دهد. لذا سعی کرده از جریانهای مذهبی که از زمان فروپاشی شوروی در آذربایجان فعالیت میکردند، حمایت کند. نمونه این امر در حمایت‌های دولت ترکیه از جنبش نورچی قابل مشاهده است. آورد و عمده موفقیت خود را در این کشور در حوزه اقتصاد رقم زده است. (عطایی و دیگران، ۱۳۹۱: ۴۱). حزب عدالت و توسعه با کسب قدرت در ۳ نوامبر ۲۰۰۲ رهبران ترکیه تلاش کرده‌اند تا فقط به داخل ترکیه محدود نشوند، بلکه همواره تاکید کرده‌اند که ترکیه باید در تحولات منطقه‌ای به عنوان یک بازیگر اصلی ظاهر شود و به جای انتظار، ابتکار عمل را در دست گیرد. ترکیه با استفاده از قدرت نرم از دو طریق درصدد تأثیرگذاری و نفوذ در قفقاز است؛ نخست، اینکه از طریق میانجیگری و برقراری صلح در منازعات سیاسی در منطقه قفقاز و مشارکت در ائتلاف‌ها و سازمان‌های منطقه‌ای و دیگر اینکه با الگوسازی در سطح ملی تلاش می‌کند الگو سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مورد نظر خود را به سایر کشورهای منطقه منتقل سازد. داوود اوغلو وزیر خارجه ترکیه درخصوص جایگاه ترکیه در منطقه قفقاز به عنوان یک الگو برای تمامی کشورها این منطقه اصرار دارد (گودرزی و معبودی نژاد، ۱۴۰: ۱۳۹۳): «ترکیه رقیب هیچ کشوری در منطقه‌های پیرامون خود نیست، ما در آسیای مرکزی، قفقاز و خاورمیانه به‌دنبال ایجاد موازنه با هیچ کشوری نیستیم، ترکیه خودش به تنهایی عامل ثبات بخش در منطقه پیرامون خود است» (سعید محفوض، ۲۰۱۲: ۸۹).

قبل از سال ۱۹۹۱ ترکیه تنها دولت ترک در جهان بود؛ اما بعد از فورپاشی اتحاد شوروی، پنج جمهوری ترک در آسیای مرکزی و قفقاز شکل گرفت ترکیه همواره با تکیه بر عامل زبان و فرهنگ ترکی به دنبال برقراری رابطه با آن کشورها بوده است. راه رسیدن به چهار جمهوری ترک در آسیای مرکزی، مسیر قفقاز است. سیاست خارجی جدید حزب عدالت و توسعه در تلاش است تا به کشورهای منطقه بفهماند که نفوذش نه بر اساس ادعاهای ترک‌گرایی بلکه بر اساس هویت و سرنوشت مشترک بنا شده است. (Marketos, 2009: 104) اما همچنان در حاشیه سیاست خارجی ترکیه، ترک‌گرایی وجود دارد. براساس نگاه متفاوت ژئوپلیتیک انتقادی، ترکیه با این ذهنیت فرهنگی که برادر بزرگتر کشورهای ترک‌زبان منطقه است می‌خواهد که در کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز نفوذ داشته باشد ترک‌ها حضور در آسیای مرکزی و قفقاز را به نوعی بازگشت به سرزمین پدری خود می‌دانند. (Hajiyousefi, 2005: 113). از نظر داوود اوغلو، ترکیه نیز مانند ایران شاخص‌های هویتی متکثر دارد به همین دلیل سیاست خارجی

خود را باید بر اساس این هویت متنوع تنظیم کند رویکرد جدید سیاست خارجی ترکیه در پی حداکثر سازی مطلوبیت های تاریخی و هویتی در منطقه و جهان با استفاده از قدرت نرم است آنکارا در نظر دارد که در یکصدمین سالگرد تأسیس جمهوری ترکیه یعنی ۲۰۳۳ در خرده سیستمهای منطقه ای نقش اساسی بازی کند (Davutoglu, 2008: 77).

کشورهای آسیای مرکزی به سیاست های ترک گرایانه تمایل چندانی نشان نمی دهند؛ اما جمهوری آذربایجان همواره با این برنامه های ترکیه همواره بوده است چنین هدفهای ملی گرایانه ایازسوی ترکیه نگرانی مسکو را به همراه دارد؛ زیرا روسها همیشه کابوس سلطه کهن تاتارها و ترکها را در ذهن دارند. با توجه به جمعیت آذری ساکن ایران، این سیاست ها خوشایند تهران نیست البته با روی کارآمدن حزب عدالت و توسعه، آنکارا در برابر ایران سیاست معتدلتری به کار گرفته است؛ اما بعد از مذهبی آنکارا همچنان با دیده تردید به ایران شیعی مینگرد (Cagaptay, 2009) و این مسئله را در محاسبات سیاست خارجی خود همواره در نظر میگیرد آنکارا برای مقابله با نفوذ ایران به فکر ترویج مدل مذهبی خود در جمهوری آذربایجان برآمده است که نمونه های از هم زیستی اسلام و لیبرالیسم در چارچوبی مشترک است. این مدل با توجه به دین جدا بودن دولت آذربایجان با موفقیت بیشتری همراه شده است. انجمنهای غیر دولتی ترک، همچون گروه نورچی و در رأس آن فتحالله گولن به ترویج ادبیات مذهبی در جمهوری آذربایجان می پردازند؛ تا آنجا که شبکه ای گسترده از مؤسسات خیریه، سازمانهای غیر دولتی و برنامه های فرهنگی را در دستور کار قرار داده اند. در سطح دولتی نیز حجم گسترده ای از برنامه ها مانند ارسال ماهواره، پخش اخبار، ارسال کتاب به زبان ترکی، تأسیس مدرسه ها و رواج خط لاتین به سبک ترکیه اجرا شده است. به تبع مسائل سیاسی - امنیتی، نگرش ترکیه به ارمنستان در حوزه فرهنگی نیز از روی دشمنی است و ارمنستان را سدی میداند که ارتباط قومی فرهنگی پیوسته ترکها را با هم قطع میکند (ارجمندی و فلاحی، ۱۳۹۴: ۲۲۶).

ترکیه از ابتدای دهه ۹۰ سعی کرد همزمان با بروز علائم شکست ایدئولوژی کمونیست در منطقه آسیا مرکزی و قفقاز، خود را به عنوان نماد یک کشور دموکراتیک غرب گرا و مدرن نشان دهد. در این راستا سعی زیادی برای ایجاد اتحادیه کشورهای ترک زبان و ایجاد زبان مشترک ترکی نمود. گام های ابتدایی این روند، ایجاد مدارس، آموزش زبان ترک و تغییر الفبا سیرلیک به لاتین بود. این اقدامات در جمهوری آذربایجان با روی کارآمدن رئیس جمهور غرب گرا و ترک گرا، ابوالفضل ایلچی بیگ، به سرعت اجرا شد و گروههای مذهبی و رسانه های ترکیه ای در جمهوری آذربایجان به فعالیت پرداختند. در دوره حاکمیت نظامیان ناسیونالیست و ترک گرای ترکیه، چهره ای که ترکیه از خود نمایش می داد، چهره یک کشور سکولار و پیشرفته بود. در این راستا، ترکیه به ایجاد شبکه هایی به زبان ترک در کشورهای قفقاز جنوبی اقدام کرد که با برنامه ها و فیلم های گوناگون، رویکردی سکولار و غیرمذهبی و همچنین ظاهری پیشرفته از ترکیه را به نمایش می گذاشتند. اما از زمان روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه، ترکیه سعی

میکنند خود را به عنوان یک کشور مسلمان که توانایی سازگاری با ارزشهای غرب و مردم سالاری لیبرال را دارد نشان دهد. لذا سعی کرده از جریانهای مذهبی که از زمان فروپاشی شوروی در آذربایجان فعالیت می کردند حمایت کند. نمونه این امر در حمایت های دولت ترکیه از جنبش نورچی قابل مشاهده است (عطایی و دیگران، ۱۳۹۱: ۵۵).

برخلاف موفقیت در جمهوری آذربایجان، ترکیه نتوانسته در گرجستان پایگاه محکمی از لحاظ قدرت نرم به دست آورد و عمده موفقیت خود را در این کشور در حوزه اقتصاد رقم زده است. با این وجود، ترکیه تلاشی را برای ایجاد ارتباط با آذربایجانها گرجستان انجام داده و در بین نهادهای مذهبی آنها دارای نفوذ است. مساجد حنفی مذهب نیز در این مناطق و در بین مسقطیهای گرجستان از محل های نفوذ ترکیه است. در جمهوری خودمختار آجاریا، ترکیه به علت هم مرزی و وجود گروههای لابی قوی از نفوذ خوبی برخوردار است. وجود خانوادههای آبخازی که در ترکیه و مصر زندگی می کنند و بیشتر آنها از تجار معروف ترکیه هستند، سبب شده ترکیه در بین آبخازها نفوذ زیاد داشته باشد (Joshua project 2009). اما در رابطه با ارمنستان، باید توجه داشت که تنشهای تاریخی آرامنه با ترکها در این منطقه، ادعاهای ارضی آرامنه نسبت به ترکیه و همچنین حمایت ترکیه از جمهوری آذربایجان، سبب شده است آرامنه، ترکیه را به عنوان یکی از دشمنان تاریخی خود تصور کنند. برای بهبود این مسئله، دولت عدالت و توسعه همزمان با انجام فعالیتهای سیاسی در سطح رسمی برای بازگشای مرزها دو کشور، سعی در شکل دادن به دیپلماسی مردم و دانشگاهی بین دو طرف دارد تا از این طریق ذهنیت افکار عموم دو طرف را نسبت به یکدیگر تعدیل نماید. به عنوان مثال، در سالگرد امضای پروتکل عادی سازی روابط ترکیه و ارمنستان، نهادها غیردولتی و مردمی دو کشور، تحت عنوان « دیالوگ آنی » به مذاکرات خود ادامه داده و برای برقراری ارتباط و آشنایی نزدیک دو جامعه تلاش کردند. ۱۷۰ انجمن مدنی ترکیه و ارمنستان در ایروان این نشست مشترک را برگزار کردند. در این نشست، مسائلی نظیر فرهنگ و میراث مشترک، آموزش و تحقیقات، محیط زیست، حقوق بشر و مردم سالاری، رسانه های گروهی و روزنامه نگاری مورد بحث و بررسی قرار گرفت. همچنین در مورد پاکسازی و لایروبی « آریاچای - آخوریان »، تدوین لغتنامه مشترک ترکی - ارمنی و تبادل دانشجو مذاکراتی انجام شد. (Today's Zaman.2010).

موضوع دیگری که در چهارچوب قدرت نرم ترکیه در قفقاز می توان به آن اشاره کرد، دیپلماسی دینی این کشور در جمهوری آذربایجان است. فعالیت های مذهبی ترکیه در آذربایجان به دو شیوه دولتی و غیردولتی صورت میگیرد که در هر دو شیوه، این کشور تمایل دارد فعالیت های خود را به شکل قانونی و مطابق با قوانین و شرایط آذربایجان انجام دهد. این فعالیت ها، تحت نظارت سازمان ریاست دینی وابسته به دولت ترکیه صورت میگیرد و شامل ساخت مساجدی است که با نهادهای مذهبی جمهوری آذربایجان همکاری می کنند. ایجاد یک دانشکده الهیات در دانشگاه آذربایجان نیز از دیگر فعالیت های دولت ترکیه بوده است.

همچنین چند مسجد دیگر توسط ترکیه در باکو و شهرهای دیگر آذربایجان ساخته شده که امامان جماعت آنها از سوی ترکیه تعیین می شوند. این افراد معتقد به اسلام حنفی بوده و تحت تأثیر گرایش سکولار دولت ترکیه، موعظه های مبتنی بر مسائل اخلاقی، اجتماعی و اقتصادی ارائه می دهند از بحث در مورد موضوعات سیاسی و مجادله های اجتناب میکنند. علاوه بر این موارد، دولت ترکیه تحت نظارت سازمان ریاست امور دینی این کشور به دانشجویان علاقه مند به مطالعه امور دینی در ترکیه بورس، تحصیلی اعطا میکند. (International Crisis Group, 2008).

فعالیت سازمانهای غیردولتی و مؤسسه های آموزشی خصوصی، شیوه دیگری است که جریان اسلام ترکیه ای را در آذربایجان توسعه می دهد. بزرگترین جنبش غیردولتی ترکیه ای در جمهوری آذربایجان، جنبش فتح الله گولن است که با نام «نورچها» نیز شناخته میشود. این جنبش توسط سعید نورچی در اوایل قرن بیستم پایه گذاری شد. بعد از مرگ او، یکی از شاگردانش به نام فتح الله گولن تلاش بیشتری جهت مدرن کردن جنبش انجام داد و توجه خود را بر آموزش علمی متمرکز کرد و پیروان خود را به تأسیس مدارس، مدرنترکیه ای در سراسر جهان ترغیب نمود. فعالیتهای این جنبش در آذربایجان توسط یک شرکت خصوصی به نام «مؤسسات آموزشی مدرن» هدایت می شود به طوری که هم اکنون ده دبیرستان، یک مدرسه ابتدایی، ده مرکز پیش دانشگاهی و یک دانشگاه به نام دانشگاه قفقاز توسط این شرکت اداره می شود. همه این مراکز آموزشی با برنامه های آموزش سکولار و غربی که به وسیله وزارت آموزش آذربایجان تصویب شده آموزش داده می شوند و زبان اصل در آن انگلیسی است که در کنار آن آذری و ترکی نیز مورد استفاده قرار می گیرد. با وجود آنکه آموزش مذهب در ایرن مدارس، بر اساس، قوانین ترکیه و آذربایجان ممنوع می باشد، اما به جهت اینکه معلمان این مدارس، از پیروان جنبش نورچی و گولن هستند، اکثر فارغ التحصیلان این مدارس، حداقلی از آشنای با اسلام را دارا هستند (عطایی و دیگران، ۱۳۹۱: ۵۵).

۴. اهداف اقتصادی ترکیه در قفقاز جنوبی

با به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۳ یک تحول جدی در اقتصاد این کشور ایجاد شد. فعال شدن دیپلماسی اقتصادی ترکیه در این دوره به طور مستقیم با تغییرات کلی رخ داده در اقتصاد این کشور پس از سال ۲۰۰۲ در ارتباط بوده است. هنگامی که حزب عدالت و توسعه به قدرت رسید ترکیه درگیر بحران اقتصادی شدیدی بود. بحران اقتصادی سال ۲۰۰۲ ترکیه همه بخشهای جامعه اعم از فقیر، ثروتمند، افراد تحصیل کرده و تحصیل نکرده را در بر گرفته بود. افزایش هفتاد درصدی تورم، رشد پایین اقتصادی، سقوط قابل توجه درآمدها و افزایش چشمگیر بیکاری در سال ۲۰۰۱ اقتصاد این کشور را با بحران جدی مواجه ساخته بود. با توجه به اینکه حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۱ و عده اصلاحات در ساختار اقتصاد این کشور داده بود، هرگونه مقاومت در برابر اصلاحات در عرصه اقتصادی این کشور درهم شکسته شد و این حزب موفق شد تا در انتخابات سال ۲۰۰۲ به پیروزی قاطعی دست یابد. سیاست آزادسازی اقتصادی از سوی این حزب در یک دهه اخیر موجب شد تا دست کنشگران خارجی چون صندوق

بین المللی پول ۱ و اتحادیه اروپا ۲ برای شتاب بخشیدن به اصلاحات اقتصادی در این کشور باز شود (گودرزی و معبودی نژاد، ۱۳۹۵:۱۳۷).

تجارت و ابزارهای اقتصادی در سیاست خارجی ترکیه اولین بار در دوران «تورقوت اوزال» در دهه ۱۹۸۰ م به کار گرفته شد. او نمایندگان بخش خصوصی را در سفرهای خارجی با خود همراه میکرد اما در دوره حکومت حزب عدالت و توسعه سطح گسترده از تجارت و سرمایه‌گذاری به عنوان ابزار سیاست خارجی به یک الگوی نهادینه شده تحول یافت. با توجه به دو فاکتور ظهور اسلام سیاسی و ایجاد مراکز صنعتی جدید در آناتولی، طبقه تجاری جدیدی به وجود آمد که انجمنهای خاص خود از قبیل «کنفدراسیون تجار و صنعت گران ترکیه» را به وجود آوردند. (Atli, ۲۰۱۱: ۳-۴) مقامات ترکیه برای هدایت این انجمنها در سیاست خارجی، در سفرهای خود اعضای آنها را با خود همراه کردند و موجبات آشنایی تجار ترکیه با پتانسیلهای همکاری با بخشهای اقتصادی کشورهای خارجی را فراهم کردند (میرزایی و همکاران، ۱۳۹۳:۱۹۱). «سیاست خارجی ترکیه در چند سال گذشته توسط ملاحظات اقتصادی مانند بازارهای صادرات، فرصتهای سرمایه‌گذاری، توریسم، انرژی و مانند اینها شکل گرفته است. سیاست خارجی تبدیل به مسأله‌های داخلی شده است که نه تنها به دلیل مشارکت دموکراتیک، هویت و جامعه مدنی، بلکه به دلیل ایجاد اشتغال و ثروت نیز بوده» (Kirişçi, ۲۰۰۹: ۳۹) است.

نتیجه گیری :

نوع تفسیر و نگرش بازیگران و قدرت های منطقه ای و جهانی به مناطق ژئوپلیتیکی بر نوع رفتار آنان تاثیرگذار می باشد در واقع رابطه مستقیمی بین جهت گیریهای سیاست خارجی هر دولت و نوع نگرش آن نسبت به مناطق و منظومه های جغرافیایی وجود دارد یکی از مناطقی که در دوره پساجنگ سرد به عنوان یک منطقه و منظومه ژئوپلیتیکی ظهور یافت منطقه قفقاز جنوبی می باشد از این منظومه می توان به عنوان یک منظومه در حال گذار یاد نمود که به واسطه ظرفیت های موجود در این منطقه و خلاء قدرت به وجود آمده زمینه برای نقش آفرینی قدرت های منطقه ای و فرامنطقه ای فراهم شد، یکی از بازیگران پیرامونی ترکیه می باشد که به واسطه موقعیت استراتژیکی و با تکیه بر منافع ملی به دنبال نفوذ و نقش آفرینی در قفقاز جنوبی است وزن ژئوپلیتیکی ترکیه به واسطه شاخص های قدرت که در اختیار دارد و نوع رابطه خود با محیط بین الملل به عنوان عوامل اثربخش در این نقش آفرینی محسوب می شود حزب عدالت و توسعه توانسته است به بهره‌گیری از دو عنصر ژئوپلیتیک و ژئوکالچر در منظومه قفقاز جنوبی به واسطه پیوندهای هویتی با کشورهای آذربایجان و گرجستان روابط نزدیکی ایجاد نماید و به نوعی در این منطقه به عنوان یک بازیگر و قدرت تاثیرگذار معرفی شود الگوی سیاست خارجی مبتنی بر پان ترکیسم اهداف سیاسی و

فرهنگی و اقتصادی ترکیه را در قفقاز جنوبی به خوبی عمیاتی نموده است و مجاورت منطقه ای و فهم گفتمانی موجود بین ترکیه و کشورهای قفقاز نوعی همبستگی و پیوستگی را ایجاد نموده است. ترکیه تلاش نموده است به موازات نگاه به غرب روابط خود را در قالب نگاه به شرق با کشورهای منطقه و قفقاز گسترش دهد و اهداف خود را در این منطقه تعمیق دهد بر این اساس در رویکرد چند جانبه گرایی و نگاه چند بعدی ترکیه در سیاست خارجی یکی از مناطق مهم قفقاز جنوبی می باشد که به واسطه عناصر اثربخش در رفتار سیاست خارجی یکی از نظومه های مهم در جهت نمایش قدرت و افزایش قدرت می باشد. در دوره پساجنگ سرد ترکیه با نوع تعریف خود از قفقاز جنوبی توانسته است اهداف خود را به مرحله عملیاتی برساند.

منابع

۱. افشردی، محمدحسین (۱۳۸۱)، ژئوپلیتیک قفقاز و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات سپاه ساسداران انقلاب اسلامی
۲. افشردی، محمدحسین (۱۳۸۱)، ژئوپلیتیک قفقاز و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران، انتشارات فرهنگ و مطالعات نظامی.
۳. اکبریان، رضا؛ شگری، محسن (۱۳۹۵)، «جهانی شدن و منطقه گرایی اقتصادی در حوزه شورای همکاری خلیج فارس»، فصلنامه علمی پژوهشی سیاست جهانی، دوره پنجم، شماره دوم.
۴. آلیکر، اولگا؛ تامس، سائینا (۱۳۸۲)، «گسلهای منازعه در آسیای مرکزی و قفقاز»، محمود رضا گلشن پژوه، عطا کردان، حسین سعید کلاهی خیابان، موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بینالمللی ابرار معاصر، تهران
۵. بزرگمهری، مجید؛ طباطبایی، سید مهدی (۱۳۹۱)، «بررسی تطبیقی سیاست خارجی ایران و ترکیه در قفقاز جنوبی از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی تا ۲۰۱۵»، فصلنامه سیاست خارجی، سال سی و یکم، شماره ۲، صص ۱۵-۱.
۶. خلیلی، صابر (۱۳۹۶)، «استراتژی جدید ترکیه در قفقاز پس از به قدرت رسیدن حزب اسلام گرای عدالت و توسعه (۲۰۱۵-۲۰۲۰) (AKP)»، پایاننامهی برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته علوم سیاسی گرایش مطالعات منطقه ای، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه محقق اردبیلی.
۷. داوداوغلو، احمد (۱۳۹۱)، عمق راهبردی، موقعیت ترکیه در صحنه بینالمللی، محمدحسین نوحی نژاد ممقانی، تهران: انتشارات امیر کبیر.

۸. سعید محفوظ، عقیل (۲۰۱۲)، «السیاسه الخاریجه التریکه: الاستمراریه - التغییر، بیروت: المرکز العربی للابحاث و دراسه السیاسات.
۹. صولت، رضا، (۱۳۹۱)، «اهداف سیاست خارجی ترکیه از گسترش روابط با آذربایجان»، پژوهشکده مطالعات استراتژیک، ۹ اسفندماه، در آدرس:
۱۰. عطایی، فرهاد؛ شکاری، حسن؛ عزیزی، حمید رضا (۱۳۹۱)، «سیاست خارجی دولت عدالت و توسعه ترکیه در قفقاز جنوبی»، فصلنامه راهبرد، شماره ۶۳.
۱۱. گودرزی، مهناز؛ فرشته، معبودی نژد (۱۳۹۵)، «قدرت نرم ترکیه در آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۹۳.
۱۲. میرزایی، جلال؛ عباس زاده فتح آبادی، مهدی؛ صدری لولو بابالو، صیاد (۱۳۹۳)، «ابعاد و دستاوردهای دیپلماسی اقتصادی ترکیه از سالهای ۲۰۰۳ م تا ۲۰۱۳ م»، فصلنامه تحقیقات سیاسی، شماره بیستم - پاییز ۱۳۹۳ / صص ۲۰۵ - ۱۷۵

منابع لاتین

1. - De Lombaerde Philippe and Luk Van Langenhove, (2005), Indicators of Regional Integration :Conceptual and Methodological Issues, IIS Discussion Paper; No. 64 /march.
2. Aliriza, Bulent (2008), "Turkey and the Crisis in the Caucasus", Turkey Project at the Center for Strategic and International Studies in Washington D.C., available at: <http://csis.org/publication/turkey-and-crisiscaucasus> (accessed on: 26/5/2011).
3. Aras, Bulent (2001), – B. The New Geopolitics of Eurasia and Turkey's Position, London: Routledg. Efeğil, Ertan (2008), "Turkish AK Party's Central Asia and Caucasus Policies: Critiques and Suggestions", *Caucasian Review of International Affairs (CRIA)*, Vol.2 (3), Summer 2008. 30.
4. Atlı, Altay (2011), "Businessmen and Turkey's Foreign Policy", Policy Brief International Policy and Leadership Institute.
5. Aydin, M. A. (2000). 'Katilim Belgesi'nin ortaya koyduğu gerçek', *Yenisafak*, 10 December
6. Bishku, Michael B (2009), "NATO's Southeast: Turkey, Russia and the Southern Caucasus", Augusta State University International Studies Association Annual Meeting, Honolulu, Hawaii
7. Çolak, Mustaf, (2014), "Osmanlı - Alman Rekabeti Çerçevesinde Kafkas Müslümanlarının Bağımsızlığı ve Bakü Meselesi (1917-1918)", *Gaziosmanpaşa Üniversitesi*, p. 27-43, January, 2014, *JHS History Studies*, Volume 6, Issue 1 January, Ankara
8. Davutoglu, ahmet, (2009), "Tturkey's Foreign Policy Vision: An Assessment of 2007", *Azerbaijan Focus*, Vol. 1 (1).
9. International Crsis Group (2008), *Independent Islam and Azerbaijan, the State*, Europe Report No 191, 25 Mar 2008, available at: <http://www.crisisgroup.org/en/regions/europe /caucasus/azerbaijan/191-azerbaijanindependent-islam-and-the-state.aspx> (accessed on 20/4/2011).
10. Joshuaproject (10/5/2009), "Abkhaz of Turkey", available at: <http://www.joshuaproject.net/peopleprofile.php?peo3=10130&rog3=TU> (accessed on 25/5/2011)
11. Kilinc, Ramazan, (2001), "The place of Social Identity in Turke's Foreign Policy Ootion in the Post Cold War Era in the Lighte of Liberal and Constructivist Approaches", *The Institute of Economics and Social Sciences of Bilkent Univercity*, VOL.3, NO.23, Septamber

12. Kırışçı, Kemal (2009), "The transformation of Turkish foreign policy: The rise of the trading state", in *New Perspectives on Turkey*, no. 40 , pp 29-57.
13. Larrabee, Stephen (2010) – A., "Turkey's New Geopolitics", *Survival*, 52: 2.
14. Turkey in the Eurasian Energy security Melting pot" , China and " (۲۰۰۹)Marktto s, Thrassy. N .۹۵ _۲۳۳pp ,(۴No(, Eurasiaforum Quarrrrly,Vo .
15. Ozertem, Hasan Selim (2010), "Energy Negotiations over Turkish-Russian Line:, *Eurasia Review*, available at: <http://www.eurasiareview.com/17102011-energy-negotiations-over-turkish-russianline-analysis/> (accessed on: 2012/04/02).
16. Sandrin, Paula (2009), "Turkish Foreign Policy after the End of Cold War – From Securitized to Desecuritized Actor", *Turkish Policy Quarterly (TPQ)*, 28/06/2010, available at: www.turkishpolicy.com/article/116/turkey
17. Schulz, Evelina & Devrim Deniz (2009), "The Caucasus: Which Role for Turkey in the European Neighborhood?", *Insight Turkey*, available at: http://findarticles.com/p/articles/mi_7057/is_3_11/ai_n39157902 (accessed on 24/5/2011).
18. Szymański, Adam (2009), "South Caucasus - the Case for Joint Commitment of Turkey and the EU" Polish Institute of International Affairs (PISM), available at: www.pism.pl/index/?id=f1676935f9304b97d59b0738289d2e22 (accessed on: 26/5/2011).
19. Today's Zaman(2010), "Ani Dialogue Lead to More Contacts, Passionate Projects, Keen ideas" 21 October 2010, Available at: <http://www.todayszaman.com/newsDetailgetnewsbyld.action?load=deta&link=224920> (accessed on: 2012/04/02) 4
20. Torbakov, Igor (2008), "The Georgia Crisis and Russia-Turkey Relations", The Jamestown Foundation, available at: www.jamestown.org/uploads/media/GeorgiaCrisisTorbakov.pdf (accessed on: 24/5/2011).
21. Ziyadov, Taleh (2003), "Turkey and the Caucasus at the Edge of EU and NATO Enlargement", *Turkish Policy Quarterly*, Vol. 2, No. 4, 2003.

Geopolitiss and Geocultur:: The Foreign Policy Goals of the Turkish Justice and Development Government in the South C

Absrract

Turkey is one of the important players in the regional environment of the South Caucasus. Turkey, with geopolitiss and geoculture, is trying to play an important role and define its national and regional interests. With the rise of the AKP, Turkey's foreign policy has changed to realism and multidimensionality, and this factor has increased its importance in the Caucasus region.

Therefore, by using its geopolitical and geocultural capacity, it has been able to become an important player in the South Caucasus. These two elements, along with the economy and investment, have doubled Turkey's influence in the South Caucasus. We are witnessing security challenges in this region, but Turkey's influential and undoubtedly one of the strategic goals of Turkey in this region is to infiltrate and achieve its political, security and cultural goals.

In this regard, this study seeks to answer the main question: "What effect do the geopolitical and geocultural components of Turkey have on the political, security and cultural goals in the South Caucasus?" Has used books, articles and documents. The findings show that Turkey, through its political, security and cultural goals in -elements of geopolitiss and geoculture, has been able to pursue its political, economic and cultural fields in the South Caucasus.

.Keywords: Geopolitiss, Geoculture, Foreign Policy, Turkey, South Caucasus